

آیا آیین‌نامه ادامه تحصیل به مقاطع بالاتر ویژه دانشجویان ممتاز و استعداد درخشان دارای پشتوانه نظری و فلسفی است؟

حمیدرضا کوهستانی، نیره باغچقی*

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / ۱۳۹۴؛ ۱۵(۷۷): ۶۲۳ تا ۶۲۵

سردبیر محترم مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی

یکی از اصول مهم فلسفه پیشرفت گرایی (Progressivism) که از دو سیستم فکری یا فلسفی "واقع‌گرایی (Realism) و عملگرایی (Pragmatism) سرچشمه می‌گیرد این است که سیستم آموزشی باید بر همکاری و یادگیری اجتماعی مبتنی باشد نه رقابت(۱).

طبق آیین‌نامه تسهیل ادامه تحصیل دانشجویان ممتاز و استعداد درخشان به مقاطع بالاتر مصوب تاریخ ۹۰/۳/۹ دانشجویان واجد شرایط مذکور در این آیین‌نامه می‌توانند با رعایت شرایط مقرر، بدون شرکت در آزمون ورودی برای تحصیل در دوره بالاتر در دانشگاه‌ها پذیرفته شوند. دانشجویان ممتاز دوره کاردانی که رتبه اول را با میانگین کل حداقل ۱۸ در بین دانشجویان هم رشته و هم ورودی دانشگاه محل تحصیل خود کسب نمایند و دانشجویان ممتاز دوره کارشناسی پیوسته که رتبه اول را با میانگین کل حداقل ۱۷ در بین دانشجویان هم رشته و هم ورودی دانشگاه محل تحصیل خود کسب نمایند و ظرف مدت حداکثر هشت نیمسال تحصیلی دانش‌آموخته شوند واجد شرایط این آیین‌نامه هستند(۲).

با این حال نگاهی به فلسفه‌های آموزش بیانگر این موضوع است که چنین آیین‌نامه‌ای مورد تأیید فلسفه‌های آموزشی نوین نیستند. چرا که این اقدام به جای این که همکاری را بین دانشجویان تشویق کند منجر به یک رقابت افراطی و بیمار گونه در بین دانشجویان شده است که از یک طرف روح مشارکت و کار گروهی را از بین برده است و از طرفی دیگر باعث تنش‌های بسیاری در سازمان و سیستم آموزشی شده است. در این محیط رقابتی شدید این ذهنیت که اگر تو ببری، من می‌بازم، اگر من ببرم تو خواهی باخت منجر به این شده است که یک‌سری از دانشجویان مدام در فکر این موضوع باشند که چه کسی را باید به زمین بزنم تا شرایط برای ادامه تحصیل به مقاطع بالاتر بدون کنکور را برای خود فراهم کنم.

تغییر رویه آموزش از نظام رقابتی به نظام مشارکتی برنامه‌ای است که در چند سال اخیر ذهن مسؤولان ذی‌ربط را مشغول کرده است و البته تحقق بخشیدن به این طرح نیازمند تغییر زیرساخت‌ها و شیوه‌های آموزش و یادگیری و بکارگیری روش‌های نوین تبادل اطلاعات میان فراگیران و اساتید است(۳). جانسون (Johnson) از جمله مدافعان روش

* نویسنده مسؤول: نیره باغچقی (مربی)، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران. baghcheghinayereh@savehums.ac.ir
حمیدرضا کوهستانی، دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. (koohestani.hr@tak.iuums.ac.ir)
تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

مشارکتی است. این روش مخالف روش رقابت فردی است و در آن یادگیرندگان در گروه‌های کوچک با هم و به کمک هم به یادگیری می‌پردازند. بنا به گفته وی، در این روش «فراگیران یا با هم شنا می‌کنند یا با هم مستعد غرق شدن می‌باشند». این روش پشتوانه‌های محکم نظری دارد و از حمایت‌های دقیق تجربی برخوردار است. از لحاظ نظری، این روش مورد حمایت رفتارگرایان و دیگر صاحب نظران یادگیری است. از دیدگاه رفتارگرایان تقویت گروه برای کسب موفقیت از موارد عمده استفاده از روش تقویت در آموزش و یادگیری است. از لحاظ نظریه شناختی- اجتماعی بندورا، وقتی شرایطی فراهم می‌آید که فراگیران درست انجام دادن کاری را در دوستانشان مشاهده می‌کنند، خود نیز انجام آن کار را می‌آموزند و زمانی که موفقیت خودشان یا دوستانشان تقویت می‌شود، اشتیاق بیشتری برای انجام آن کار پیدا می‌کنند (۴ و ۵).

افزایش تأکید بر پارادایم انسان‌گرایی در آموزش، سبب پیدایش روش‌های فعال یادگیری از جمله یادگیری مبتنی بر تیم شده است. این روش‌ها، پل ارتباطی بین فراگیران با توانایی‌های مختلف ایجاد نموده و منجر به یادگیری گروهی از طریق مشارکت می‌شوند. هدف روش‌های مشارکتی دانشجو محور، تقویت تک‌تک فراگیران از طریق کار در گروه‌های کوچک در جهت دستیابی به یک هدف آموزشی مشترک است. از این رو موفقیت یک نفر در گروه به موفقیت دیگران نیز کمک می‌نماید (۶). فلسفه معرفی روش یادگیری مشارکتی این است که دانشجویانی که در قالب یک تیم با هم کار می‌کنند، نوعی انرژی جمعی تولید می‌شود که به آن «هم‌افزایی» گفته می‌شود؛ در نتیجه نسبت به کار انفرادی موفقیت بهتری کسب کنند (۷). همچنین شیوه‌های مشارکتی باعث تقویت مهارت‌های حرفه‌ای، تفکر انتقادی، ارتباط و کار گروهی می‌شود (۶). با این حال در یک محیط رقابتی حتی در صورت اجرای روش‌های مشارکتی، روح کار مشارکتی نخواهد بود و در واقع هیچ کدام از این پیامدهای مثبت رخ نخواهد داد. رقابت در آموزش دارای آثار نامطلوب روانی و اجتماعی فراوانی است و عواقب منفی آن بیش از نتایج مثبت آن است (۸).

نویسندگان این مقاله بارها شاهد این موضوع بوده اند که این جو رقابتی جهت کسب رتبه اول و ادامه تحصیل به مقاطع بالاتر بدون کنکور باعث ایجاد نوعی رابطه منفی بین دانشجویان شده است، در مواردی بعضی از دانشجویان به جای اعتراض به نمره خود نسبت به نمره رقیب خود اعتراض داشته‌اند! و یا حتی دانشجویی رتبه اول به علت نگرانی حفظ موقعیت به دست آمده و ترس از دست دادن موفقیت به دست آمده، وضعیت روحی مناسبی نداشته است. نویسندگان معتقدند که با بازنگری در این آیین‌نامه می‌توان میان دانشجویان تفاهم ایجاد نمود و اختلافات را تقلیل داد. افکار و عقاید گروهی را مبادله کرد و وحدتی را که لازمه‌ی ادامه‌ی حیات جمعی است، در دانشجویان به وجود آورد. جهت حسن ختام، این دست نوشته را با آیه‌ای از قرآن کریم خاتمه می‌دهیم؛ در سوره مائده، آیه ۲ قرآن کریم آمده است «تعاونوا علی البر والتقوی» در امور نیک و تقوا همکاری نمایید.

منابع

1. Shoarinejad AA. [Philosophy of Education]. Tehran: Amirkabir publication; 2010.[Persian]
2. Vice chancellory for education.[Circulars and regulations .Regulations facilitate outstanding and talented students continue their education to higher levels].Education Development Center.[cited 2015 nov 8]. Available from:<http://edc.behdasht.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=180&pageid=31989>.
3. Shabani H.[Maharathaye Amoozeshi va parvareshi(Raveshha va Fonoone tadrish)]. Tehran: samt publication; 2004: 123-125 .[Persian]
4. Johnson RT, Johnson DW. Action research.Cooperative learning in the science classroom.Science and Children. 1986; 24(2): 31-32.

5. Arroyo M, Rocandio AM, Ansotegui L, Pascual E, Martínez de la Pera C. Cooperative learning strategies to teach nutrition to geriatric nursing. *Arch Latinoam Nutr.* 2008; 58(1): 27-32
6. Mennenga HA, Smyer T. A model for easily incorporating team-based learning into nursing education. *Int J Nurs Educ Scholarsh.* 2010; 7(1): Article4.
7. Beatty SJ, Kelley KA, Metzger AH, Bellebaum KL, McAuley JW. Team-based learning in therapeutics workshop sessions. *Am J Pharm Educ.* 2009; 73(6): 100.
8. Keramati MR. [Competition or friendship in the classroom]. *Journal of Psychology and Education.* 2001-2002; 31(2): 139-55. [Persian]